

زمینه‌ها، پیامدها و درس‌های کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران



ابوالفضل بازرگان

زمینه‌ها

زمینه اصلی کودتای 28 مرداد 1332 را باید در ملی شدن صنعت نفت در ایران جستجو کرد. پس از رخداد انقلاب صنعتی در اروپا، نیاز به سوخت برای به حرکت درآمدن چرخ کارخانه‌ها، کشتی‌ها و ... ناگهان افزایش یافت و تلاش برای اکتشاف و استخراج نفت آغاز شد. با توجه به این که منابع اصلی نفت در منطقه موسوم به خاورمیانه تشخیص داده شده بود، چشم طمع ابرقدرتهای زمان، بویژه امپراتوری بریتانیا (انگلیس)، به این منطقه دوخته شد و از آن پس، این ماده گرانبها، که برای غرب رونق و پیشرفت صنعتی به همراه داشت مایه بدبختی و گرفتاری ملت‌های خاورمیانه و دیگر نقاط نفت خیز در کشورهای توسعه نیافته (جهان سوم) شد، به گونه‌ای که در شکل‌گیری جنگ‌ها، شورش‌ها، کودتاها و تغییر دولتها در این بخش از جهان، همواره پای نفت در میان بوده است.

در کشور خودمان، امتیاز اکتشاف و استخراج نفت برای نخستین بار در سال 1917 به ویلیام ناکس دارسی، شهروند انگلیس داده شد و پس از تغییراتی، سرانجام به شرکت نفت ایران و انگلیس، که سهامداران آن دولت ایران و شرکت‌های نفتی انگلیسی بودند واگذار گردید. سهم دولت ایران از درآمد نفت بسیار کم بود، به طوری که بنابر گزارش یک منبع انگلیسی، مالیات دریافتی دولت انگلیس از شرکت‌های نفتی بیشتر از سهم ایران از عایدات شرکت نفت ایران و انگلیس بود.

افزون بر جنبه اقتصادی قضیه، دخالت انگلیس در امور داخلی ایران باعث نقض استقلال و حاکمیت ملی و دست نشاندهی دربار پهلوی و دولتهای گوناگون در ایران می‌شد. راه‌کاری که برای برون رفت از آن وضعیت بسیار ناگوار پیشنهاد شد (بنا به گفته شادروان دکتر مصدق، از سوی شهید دکتر حسین فاطمی) ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران بود. بدیهی است که نه تنها دولت انگلیس، بلکه روسیه شوروی، که

خواهان گرفتن امتیاز نفت در شمال ایران بود، نیز مخالف ملی شدن صنعت نفت بود و دست نشانندگان امریکا، انگلیس و شوروی در ایران هم مایل به این امر نبودند. با وجود این، فشار جنبش ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر مصدق و تاکتیک‌های هوشمندانه مصدق و یاران وفادارش در مجلس منجر به تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت در مجلس شورای ملی و سپس در مجلس سنا در اسفند 1330 شد و در پی آن، مجلس دکتر مصدق را به نخست وزیری برگزید. برای اجرایی کردن آن قانون، هیات خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس و در اختیار گرفتن تاسیسات نفتی در خوزستان به سرپرستی شادروان مهندس مهدی بازرگان به خوزستان اعزام شد و این کار بزرگ با موفقیت انجام گرفت. بدین ترتیب، اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری از نفت به دست ایرانیان افتاد.

بدیهی است که دولت انگلیس، که هنوز بسیار قدرتمند بود و افزون بر محروم شدن از منافع سرشار نفت از گسترش نهضت‌های آزادی خواهی و استقلال طلبی در مستعمرات و مناطق زیر نفوذ امپراتوری به شدت بیم داشت (همچنان که از نخستین پیامدهای آن ملی شدن کانال سوئز به رهبری جمال عبدالناصر بود)، از پای ننشست و از تمام امکانات از جمله محاصره دریایی ایران، ارجاع شکایت به شورای امنیت سازمان ملل متحد، دادگاه بین‌المللی لاهه و دادگاه‌های دست نشانده در کشورهای مستعمره، توقیف کشتی‌های حامل نفت ایران، اعزام ناوهای جنگی به خلیج فارس و تهدید به حمله نظامی برای به زانو درآوردن دولت ایران و تصاحب مجدد منابع نفتی ایران استفاده کرد، ولی با هوشمندی دولت ملی دکتر مصدق و پشتیبانی ملت به پا خاسته ایران، موفقیتی به دست نیاورد. دولت امریکا (در زمان ریاست جمهوری ترومن از حزب دمکرات) در آغاز، با امید به این که بعداً سهمی از نفت ایران را به دست آورد، ظاهراً از دولت مصدق پشتیبانی می‌کرد و برای حل اختلاف میان ایران و انگلیس می‌کوشید. مذاکرات مفصلی در این باره صورت گرفت ولی چون پیشنهادهای امریکا و انگلیس مغایر قانون ملی شدن نفت ایران بود، مورد موافقت دکتر مصدق قرار نمی‌گرفت. دولت روسیه شوروی هم پس از آن که تلاش نمایندگان عضو حزب توده در مجلس برای اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی بی نتیجه ماند، عملاً مخالف دولت مصدق بود و حزب توده با برپایی تظاهرات و اعتصاب‌ها و نیز حمله و توهین به نخست وزیر و دولت در نشریات پرشمارش در جهت تضعیف دولت می‌کوشید. از سوی دیگر، علاوه بر عوامل دربار و دست نشانندگان دولتهای بیگانه، یاران سابق مصدق، از جمله آیت‌الله کاشانی، حسین مکی، مظفر بقایی، سیدابوالحسن حایریزاده، شمن قنات آبادی و ... به علت جاه طلبی و زیاده خواهی و بعضاً اجرای

برنامه‌های دیکته شده به آنان، در صف مقابل دکتر مصدق ایستاده بودند و کارشکنی می‌کردند.

توطئه 9 اسفند 1331، قتل سرلشگر افشار طوس، رئیس شهربانی و موارد متعدد دیگر را می‌توان در این رابطه نام برد. همچنین، افسران برکنار یا بازنشسته شده در دولت مصدق، به سرکردگی سرلشگر فضل‌الله زاهدی، کانون افسران بازنشسته را تشکیل داده و در صدد سرنگون کردن دولت ملی بودند.

در ارتباط با نقش مردم، باید گفت که به رغم برنامه‌های موثر دولت در رویارویی با محاصره و تحریم اقتصادی و اجرای موفقیت‌آمیز برنامه اقتصاد بدون نفت، مردم در تنگنای معیشتی قرار داشتند و یک‌تازیه‌های حزب توده، با سوء استفاده از آزادیهای اساسی، همراه با تبلیغات گسترده و هشدارهای مخالفان دولت نسبت به تسلط کمونیستها بر ایران، بسیاری از مردم ایران و بخشی از مراجع دینی را بسیار نگران کرده بود. از سوی دیگر، جبهه ملی ایران عملاً متلاشی شده بود و احزاب طرفدار دکتر مصدق نیز ضعیف و فاقد هماهنگی بودند و نمی‌توانستند نقشی در آگاه سازی، سازماندهی و رهبری مردم بازی کنند.

هنگامی که آخرین پیشنهاد امریکا و انگلیس (در زمان ریاست جمهوری آیزنهاور در امریکا و نخست وزیری چرچیل در انگلیس) نیز، به همان علل پیشین، مورد موافقت دکتر مصدق قرار نگرفت، سازمانهای اطلاعاتی آن دو کشور دست به برنامه‌ریزی برای واژگون کردن نخستین دولت ملی در ایران زدند.

رخداد کودتا

پس از راضی شدن امریکا به همکاری با انگلیس در سقوط دولت مصدق، طرح کودتا، با عنوان عملیات آژاکس، در اوایل تیر ماه 32 در امریکا به تصویب رسید و در پی آن، کرمیت روزولت، فرمانده عملیات، در اواخر تیر وارد ایران شد. اشرف پهلوی در اوایل مرداد به ایران آمد و پیام سیا را به شاه داد. در 10 مرداد، ژنرال شوارتسکف با میلیون‌ها دلار وارد شد و با زاهدی و روزولت تماس گرفت. با مخالفان اصلی دولت نیز هماهنگی‌های لازم انجام یافت و پولها برای استخدام عوامل اغتشاش‌گر به کار گرفته شد.

نخستین اقدام نظامی در شب 25 مرداد 32 با فرستادن تانک و خودروهای نظامی به محل اقامت دکتر مصدق و دستگیری تعدادی از وزیران، به طور جداگانه، صورت گرفت. سرهنگ نصیری فرمان عزل مصدق را به او ابلاغ کرد ولی با هوشیاری مصدق و افسران وفادار به او نقشه کودتاگران ناکام ماند و نصیری دستگیر شد.

در روز بعد، مصدق در باره جریان کودتا به مردم گزارش داد و طرفداران دولت شادمان شدند. ولی عوامل حزب توده (که انگلیسی‌ها در آن نفوذ داشتند) با برپایی تظاهرات پر سروصدا و پایین کشیدن مجسمه‌های شاه بر خشم مخالفان مصدق و نگرانی دلسوزان در مورد تسلط کمونیستها و افتادن ایران به دامان روسیه شوروی افزودند.

در تهران، از صبح روز 28 مرداد، کامیون‌های حامل مزدوران سازمان یافته در خیابانها به راه افتادند و افراد سوار بر آنها با تکان دادن پرچم ایران و سر دادن شعارهایی مانند زنده باد شاه و مرگ بر مصدق به تحریک مردم برای برپایی تظاهرات و نیز آتش زدن و تخریب اموال عمومی و قتل و غارت پرداختند. طبق گزارشها صدها تن از مردم کشته شدند. از سوی دیگر، بخشی از نیروهای نظامی با فرماندهی افسران بازنشسته یا مخالف دولت به حرکت در آمدند و از جمله با تانک به منزل دکتر مصدق یورش بردند که منجر به تخریب خانه و به غارت رفتن اموال و اسناد آن بزرگمرد شد. البته، مقاومت‌های جانانه‌ای از سوی نیروهای طرفدار دولت صورت گرفت ولی کافی نبود. حزب توده، با وجود نفوذش در ارتش، حرکتی انجام نداد و فقط تماشاگر اوضاع بود. طرفداران عادی هم فاقد سازماندهی و رهبری بودند و نمیتوانستند در برابر مهاجمان مجهز به سلاح‌های سرد و گرم بایستند.

بدین ترتیب، عوامل کودتا، مراکز مهم دولتی و نظامی را اشغال کردند و کودتا در تهران پیروز شد. در اصفهان و تبریز، مقاومت در برابر کودتاگران ادامه یافت و کودتا با تاخیر به نتیجه رسید. پیامدهای کودتا

پیامدهای عمده این کودتای ننگین را میتوان در چند محور زیر خلاصه کرد.

توقف روند دمکراسی و بازگشت استبداد سلطنتی و حکومت پلیسی
نقض استقلال سیاسی ایران، با نفوذ یافتن دو باره عوامل بیگانه در دربار و مراکز قدرت و تصمیم‌گیری
نقض استقلال اقتصادی ایران، با الغای قانون ملی شدن صنعت نفت و تشکیل کنسرسیوم متشکل از شرکتهای قدرتمند و غارتگر نفتی امریکایی و اروپایی

درسهای کودتا
برای پیشگیری از تکرار خسارات ناشی از کودتای 28 مرداد، باید از جمله به نکات زیر توجه کرد.
تقویت نهادهای مدنی موجود و تشکیل نهادهای جدید، در جهت تشکیل یک جامعه مدنی قدرتمند

ایجاد هماهنگی و انسجام ملی در راستای استقرار حاکمیت ملت و حکومت قانون، با اولویت دادن به منافع ملی بر منافع گروهی و فردی اتکا به سرمایه‌های انسانی و مادی داخلی و پرهیز از چشم دوختن به کمک و همراهی بیگانگان برای دستیابی به آزادی، دموکراسی و حقوق بشر